

## صیاد بی مروت

صیاد بی مروت کمندی افگند و رفت  
ای وای بران صیدکه دردامش تپیده ماند  
  
خنده ای شوخ اودیشب در بزم رقیبان  
نیش دردی است که بر جگرم خلیده ماند  
آبله پا گشتم و وصلش نه شد میسر  
آهوی وحشی خصالیست کز من رمیده ماند  
دران محفل که از اهل راز نه باشد کسی  
معنی در عبارت شکست، مطلب نافهمیده ماند  
نزد بی دردان شکوه دل آهنگیست از ریا  
اشک حسرت بر رخ آرزو دویده ماند  
در قامت کج گشته پیر نیست شور جوان  
در بیسه کمان بشکست و سایه خمیده ماند  
مکتب سرای جهان عبرت آموز کل است  
اشک ندامت بر رخ هر یک چکیده ماند  
کو فلسفی ایکه رمزکائنات وا کند  
کلید اشراق هم در چاه ظن افتیده ماند  
نقش صحرای عدم بر روی توهم بستنیست  
اشتر دوکوهانیکه بار کشید خوابیده ماند  
کاوش بشر چیست؟ فروغ بزم حقایق

دادخواست که تا اینجا صنعتش فهمیده ماند

کابل م.ش. فروغ